

## بسمه تعالی

### گزارش نشست اثرات ژئوپلیتیک جنگ اوکراین

نشست اثرات ژئوپلیتیک جنگ در اوکراین به همت مرکز ایران و فرانسه و گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در تاریخ ۲۱ اسفندماه در دفتر مطالعات عالی دانشکده حقوق و علوم سیاسی به مدت یک ساعت و چهل دقیقه همراه با پرسش و پاسخ برگزار شد. در این نشست دکتر اریک دنوسه، مدیر مرکز تحقیقات اطلاعات و مدیریت ریسک فرانسه CF2R، به سخنرانی در خصوص جنگ اوکراین پرداخت و سپس به پرسش‌های حاضرین پاسخ داد. دکتر دنوسه پایه‌گذار و برای ۲۵ سال رئیس مرکز مطالعات فرانسه در خصوص اطلاعات هستند و در نگارش بیش از ۳۵ کتاب در خصوص اطلاعات مشارکت داشتند. در این نشست همچنین دکتر رکسانا نیکنامی، استاد مطالعات اروپا دانشگاه تهران، از طرف گروه مطالعات منطقه‌ای نشست را میزبانی کردند و دکتر حمزه صفوی، مدیر گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی، نیز حضور داشتند. از سوی موسسه ایران و فرانسه نیز آقای دکتر علیرضا خلیلی (رئیس موسسه در پاریس) و آقای دکتر وحید یعقوبی (معاون مرکز) در جلسه حاضر بودند.

### ریشه‌های معاصر و واقعی جنگ اوکراین

در ابتدا دکتر دنوسه به بررسی ریشه‌های جنگ اوکراین پرداختند. دکتر دنوسه با انتقاد از دروغ‌پردازی رسانه‌های غربی، تأکید کرد که افکار عمومی در این کشورها به شدت هدایت می‌شود. او با اشاره به تجربه‌اش در دوران جنگ سرد، تبلیغات رسانه‌های غربی را فراتر از تبلیغات شوروی سابق دانست. وی معتقد است بی‌توجهی سی ساله غرب به هشدارهای روسیه در مورد منافع امنیتی‌اش را یکی از ریشه‌های اصلی جنگ دانست. امر دیگر، لجاجت غیرقابل درک اوکراین در ادامه جنگ، حتی با وجود شکست‌های نظامی، بود که باعث کشته شدن و نابودی بیشتر زیرساخت‌های این کشور شده است. دولت اوکراین در واقع پروکسی غرب است که توسط آمریکا کنترل می‌شود تا آمریکا به هدف خود یعنی تضعیف یا متلاشی کردن روسیه، کنترل منابع طبیعی آن و احیای ناتو برسد.

### تعبیرهای اشتباه غربی‌ها از روسیه و اوکراین

کشورهای غربی در ارزیابی قدرت نظامی و سیاسی روسیه و همچنین روحیه مردم اوکراین دچار اشتباهات فاحشی شدند. آنها تصور می‌کردند تجهیزات نظامی غربی برتری کامل نسبت به تجهیزات روسیه دارد و غافل از این بودند که تجهیزات قدیمی‌تر روسیه در این نوع از جنگ‌ها کارآمدی بیشتری دارد. همچنین غربی‌ها انتظار داشتند که با شروع جنگ، مردم اوکراین به طور گسترده به دفاع از کشورشان بپردازند، اما جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله تمایلی به شرکت در جنگ نشان ندادند. اشتباه دیگر در دست‌کم گرفتن قدرت تطبیق‌پذیری ارتش و ساختار حکومتی روسیه است که انتظار داشتند با شروع جنگ، روسیه دچار اغتشاشات داخلی شود اما نشد. در نهایت نیز تعلیمات دکترین ناتو به اوکراینی‌ها بود که با جغرافیای منطقه همخوانی نداشت و باعث ناکارآمدی این دکترین در اوکراین شده بود.

### اتمی شدن جنگ اوکراین

دکتر دنوسه تأکید کرد که روسیه هرگز تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای نکرده و اظهارات پوتین در این زمینه، واکنشی به تحریرات غربی‌ها بوده است. او با اشاره به پروازهای مکرر هواپیماهای B52 آمریکایی در نزدیکی مرز روسیه، این اقدامات را عامل تهدیدات اتمی روسیه دانست که در واقع واکنشی به تحریرات و تهدیدات ناتو بود. با این حال، ایشان تأکید کردند که خطر جنگ اتمی در اوکراین وجود ندارد، زیرا هر دو طرف از خطرات آن آگاه هستند و به یک سری قوانین نانوشته میان خود همچنان عمل می‌کنند. جنگ اوکراین یک جنگ وحشتناک است اما هیچوقت در آن بُعد اتمی وجود نداشت.

### کشته‌های نظامی و غیرنظامی جنگ اوکراین

نسبت تعداد کشته‌های نظامی به غیرنظامی در این جنگ از نظر نظامی بسیار با اهمیت است. این اولین جنگ در سی سال اخیر در دنیا است که تعداد کشته‌های نظامی به مراتب بیشتر از تعداد کشته غیرنظامی است. تعداد زخمی و کشته‌های نظامی حدود یک میلیون نفر و تعداد کشته‌های غیرنظامی حدود سی هزار نفر است. در واقع تعداد کشته‌های غیرنظامی اوکراینی توسط روسیه، کمتر از نصف تعداد غیرنظامیانی است که اسرائیل در غزه کشته است. این نشان می‌دهد که روسیه به دنبال هدف قرار دادن غیرنظامی‌ها نیست و اگر روسیه می‌خواست که اوکراین را نابود کند، کار ساده‌ای برایش بود. واقعیت این است که در این جنگ تنها روسیه مسئول نیست بلکه آمریکا و اوکراین قسمت اعظمی از مسئولیت فاجعه را به دوش می‌کشند.

### برنده‌ها و بازندگان این ماجرا چه کسانی هستند؟

#### آمریکا

یکی از اهداف آمریکا این بود که بتواند کشورهای اروپایی را از نظر نظامی و خصوصاً ناتو را کاملاً زیر چتر خودش قرار دهد چرا که خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و اظهارات برخی مقامات باعث نگرانی دوری اروپایی‌ها از آنها شده بود. پس آمریکایی‌ها به دنبال متولد کردن دوباره ناتو و انسجام اروپا و وابستگی دوباره آنها به آمریکا بودند. همچنین آنها به دنبال عدم اتحاد اقتصادی میان روسیه و آلمان بودند که با شروع این جنگ به تمامی این اهداف رسیدند. اما در اهداف خود به روسیه که شامل تضعیف‌رانش، اقتصاد و ساختار سیاسی روسیه بود کاملاً شکست خوردند. پس اگرچه راهبرد آمریکا برای تضعیف روسیه شکست خورد و حتی موجب نزدیکی بیش از پیش روسیه به چین شد اما در ایجاد وابستگی اروپایی‌ها به خود کاملاً موفق بود. از این رو می‌توان گفت آمریکا در این جنگ نیمه‌پیروز یا نیمه‌شکست بود.

#### روسیه

با وجود برخی کاستی‌ها اما روسیه تا حدی موفق شد به اهدافش برسد. پوتین از سال‌های ۲۰۰۰ به طور عمیق در حال تحول ساختارهای اقتصادی-صنعتی-نظامی بود. پوتین به دلیل سابقه اطلاعاتی‌اش از استراتژی بلندمدت آمریکا نسبت به کشورش آگاه بود و به همین دلیل است که هم تحریم‌ها و هم عمل نظامی عملاً نسبت به روسیه بی‌اثر شد. البته روسیه در این جنگ خیلی سرباز از دست داد و روابطش با اروپای غربی که برایش مهم بود به کل نابود شد. ولی خب به طور کلان این جنگ برای روسیه مساعدتر شد تا برای آمریکا.

#### اوکراین

اوکراینی‌ها بازندگان اصلی این نبرد بودند. زیرساخت‌های کشور به شدت ضربه خورد. ده میلیون نفر کشور را ترک کردند. هرگز دیگر اوکراین وارد ناتو نخواهد شد و قطعاً بازسازی‌اش بسیار کند و طولانی خواهد بود. دولت اوکراین البته تا پیش از وقوع جنگ نیز فروپاشیده بود. به عبارتی از بیست سال قبل تا اکنون اوکراین در یک پویایی فوق‌العاده منفی قرار گرفته است.

## اروپا

بازنده‌های بعدی این ماجرا، اروپا است. قطع واردات انرژی از روسیه موجب تورم شدید، رکود اقتصادی و صنعت‌زدایی اروپا شد. همچنین اروپا در مقابل روسیه قرار گرفت و با آن وارد جنگ شد. شاید گفته شود که اروپا در حال حاضر یک جهشی پیدا کرد اما این یک سیاه‌بازی است. واقعیت این است که اروپا امروز نسبت به قبل از شروع جنگ بیشتر به آمریکا در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی وابسته شده است. امروز اتحادیه اروپا سکنش دست‌بازگرانی است که خارج از آن هستند - یعنی آمریکا و انگلیس. یا بعضی از بازیگران به شدت ضدروس مثل لهستان و کشورهای بالکان سکان را به دست گرفتند و دیگر سکان دست‌سپاه‌گذار سنتی اتحادیه اروپا یعنی فرانسه، آلمان و ایتالیا نیست.

## ترکیه

ترکیه نیز یکی از برندگان این بحران بود. این کشور با اقداماتی که کرد و در ابتدای کار نمی‌گذاشت فنلاند و سوئد وارد ناتو بشوند عملاً هرچیزی که می‌خواست را توانست از کشورهای غربی بدست بیاورد. در مذاکرات سال ۲۰۲۲ که نتیجه نداد، ترکیه نقش مهمی ایفا کرد. درمورد توافق گندم نیز ترکیه نقش مهمی داشت. اردوغان واقعا میان این رقابت روسیه و آمریکا خوب بازی کرد تا مواضع خودش را تقویت کند و عملاً امروز مشاهده می‌شود که ترکیه در صحنه بین‌المللی نقش مهم‌تری ایفا می‌کند، در حالی که واقعیت این است که ترکیه بازیگری است که دارد قوانین بین‌المللی را در زمینه‌های مختلف کاملاً زیرپا می‌گذارد.

پس این جنگ برای بسیاری از کشورها هیچ سودی نداشت. پس از ۶ ماه این جنگ منطقی‌اً باید تمام می‌شد؛ مذاکرات در استانبول داشت به نتیجه می‌رسید که به ناگهان زلنسکی زیر همه‌چیز زد. برای غربی‌ها دقیقاً چیزی پیش آمد که نمی‌خواستند پیش بیاید؛ یعنی نزدیکی و اتحاد میان روسیه، چین، کره شمالی و ایران. اکنون نیز از نظر اقتصادی کشورهای بریکس از کشورهای G7 جلوتر رفته است. پس سه سال پس از وقوع این جنگ نمی‌شود که اسم پیروزی جامع برای غرب را بر آن گذاشت.

## پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا

پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا همه چیز را تحت تأثیر قرار داده است. ترامپ درک کرده که این جنگ شکستی برای آمریکا بوده و موجب تقویت چین شده است و به دنبال پایان آن است. ترامپ به دنبال خاتمه جنگ است تا بتواند جبهه اروپا را خاتمه بخشد و فقط در جبهه چین بجنگد و به همین دلیل اکنون به دنبال صلح است. ترامپ قبل از هر چیزی یک کاسب<sup>۱</sup> است و برایش امور اقتصادی خیلی مهم‌تر از امور نظامی است و به همین دلیل به دنبال ضربه زدن به کشورهای اروپایی است چون معتقد است آنها از زمان جنگ جهانی دوم در خلل حمایت نظامی آمریکا از آنها توانستند اقتصاد خود را تقویت کنند.

---

<sup>1</sup> Businessman

ترامپ حالا به دنبال انتقام و گرفتن پولش از این کشورها است و از همه مهم‌تر از یاد نمی‌برد که کشورهای اروپای غربی پیرو خط بایدن بودند و به خاطر همین به دنبال انتقام‌گیری از غرب است. در یک کلمه ترامپ اکنون دارد به حساب اروپا می‌رسد. از طرف دیگر، ترامپ می‌خواهد از نظر نظامی آمریکا را برای یک جنگ نظامی با چین آماده کند. چین اکنون از نظر توانایی‌های نظامی متعارف در حال پیشی از آمریکا است و ترامپ باید به هر طریقی که شده پول لازم را برای بودجه نظامی‌اش را فراهم کند. پیش‌بینی ما این است که تا قبل از ۲۰۲۷ یا حتی ۲۰۲۹ خطر جنگ میان چین و آمریکا وجود ندارد و دلیل آن هم تداوم وابستگی صنایع نظامی آمریکا به چپ‌پست‌های تایوان است.

### سیاست ترامپ در خصوص خاورمیانه

در برخی موارد درک سیاست ترامپ در خاورمیانه آسان نیست اما این واقعیت وجود دارد که در عین اینکه ترامپ به شدت از اسرائیل دفاع می‌کند ولی دیگر تحمل دیدن نتانیاها را ندارد. از طرف دیگر دکتر دنوسه معتقدند متأسفانه ترامپ نیاز دارد که ایران را به عنوان یک دشمن نگه دارد تا بتواند کشورهای خلیج فارس و خصوصاً عربستان را بترساند و آنها تحت کنترل خودش نگه دارد. به عبارت دیگر متأسفانه تنش میان آمریکا و ایران ادامه پیدا می‌کند ولی بعید است که این تنش تبدیل به هرگونه عمل نظامی آمریکا بشود.

### آیا می‌توان جنگ اوکراین را یک تحول راهبردی محسوب کرد؟

از دید دکتر دنوسه دوران سی ساله از پایان جنگ سرد تا به امروز تمام شده است و اکنون شاهد تولد دنیای جدیدی هستیم. این سی سال گذشته یک دوره گذر بود که دارای دو مشخصه قدرت و استبداد آمریکا و قدرت‌گیری تروریسم سنی افراطی بود. نباید تصور کرد نقش آمریکا در آینده کم شود یا حتی نابود بشود ولی در حال ورود به یک نظام جدیدی هستیم. از دید ایشان این نظام جدید ممکن است به دو جهت کاملاً متفاوت منتهی شود:

۱. مثل دوران جنگ سرد وارد یک نظام قطبی می‌شویم و چند قطب در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند. این قطب‌ها مستقیم به مذاکرات صلح در اوکراین و رویکرد روسیه و آمریکا نسبت به آن بستگی خواهند داشت. در واقع دنیای آینده دنیایی میان دو قطب می‌شود- قطب آمریکا یک طرف و قطب روسیه-چین طرف دیگر.

۲. دنیای چندجانبه‌گرا: دنیایی که در آن غرب تمام توانش را از دست نمی‌دهد ولی ضعیف‌تر خواهد بود.

### نقش آمریکا در این دنیای آینده چه خواهد بود؟

پیروزی ترامپ در انتخابات یک جهشی را ایجاد کرده است ولی این جهش به هیچ‌وجه سقوط تدریجی قدرت آمریکا را جبران نخواهد کرد. چرا که این سقوط حاصل کاهش تدریجی نفوذ و قدرت کشورهای غربی است. در قرن ششم میلادی، بخش شرقی امپراتوری رم باستان تحت فرماندهی یک ژنرال رمی به نام بلیساریوس یا بلیزر<sup>۱</sup> بود. این ژنرال در طول ده سال حکومت خود موفق شد تمام امپراتوری روم غربی را که از دست رفته بود، دوباره به دست آورد. اما این موفقیت نتوانست از سقوط تدریجی

---

<sup>1</sup> Bélisaire

امپراتوری روم جلوگیری کند؛ چرا که این روند نزول در هر صورت آغاز شده بود. وضعیت کنونی آمریکا شباهت زیادی به آن ماجرا دارد. ممکن است انتخاب ترامپ به طور موقت موجب کندی روند سقوط شود، اما این سقوط در نهایت اجتناب‌ناپذیر است. البته این بدان معنا نیست که غرب به طور کامل نابود خواهد شد، بلکه به معنای ورود به یک تعادل جدید در سطح جهانی است. این تغییر یک فرآیند تدریجی است و ممکن است ده‌ها سال طول بکشد، اما حرکت به سمت این تحول آغاز شده است.

**تهیه و تنظیم گزارش: علی محبی زانیانی**

(دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای شمالی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)